

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۴/۱۲/۱۲

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۵/۰۲/۰۸

پروین پرتوی^۱، مصطفی بهزادفر^۲، زهرا شیرانی^۳

طراحی شهری و تاب‌آوری اجتماعی بررسی موردی: محله جلفا اصفهان^۴

چکیده

تاب‌آوری اجتماعی شامل شرایطی است که تحت آن افراد و گروه‌های اجتماعی با تغییرات محیطی انطباق می‌یابند و در واقع بیانگر توان جامعه برای پاسخ به بحران‌ها است. ظرف وقوع کلیه رویدادهای اجتماعی بستر جغرافیایی و مختصات مکانی است، لذا بین تاب‌آوری اجتماعی و ویژگی‌های مکان ارتباط تنگاتنگی وجود دارد. هدف اصلی این بررسی، شناسایی مؤلفه‌های مؤثر در ارتقای بعد اجتماعی تاب‌آوری محلات از طریق طراحی شهری بوده است. به همین منظور با تکیه بر راهبرد کیفی و با بهره‌گیری از ترکیب استراتژی‌های «نظریه-آنگاه پژوهش» و «پژوهش-آنگاه نظریه» ابتدا از روش‌شناسی اسنادی و کتابخانه‌ای با رویکرد بازنگری نظام‌مند منابع مرتبط، جهت شناسایی معیارهای اصلی تاب‌آوری اجتماعی بهره گرفته شد و با روش قیاسی، مدل مفهومی تاب‌آوری اجتماعی تدوین گردید. متعاقباً ضمن انتخاب محله جلفا در شهر اصفهان و با انجام گونه‌شناسی کالبدی و اجتماعی از طریق انجام مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته و با بهره‌گیری از شیوه تحلیل محتوای استقرایی، عوامل مرتبط با طراحی شهری با تأکید بر تاب‌آوری اجتماعی به تفکیک هریک از گونه‌های مطالعاتی استنتاج گردید. سرانجام با توجه به وجود اشتراک نسبی عوامل استخراج شده در گونه‌های مختلف، عوامل مذکور در قالب شش مؤلفه کلی مقوله‌بندی شدند. نتایج بررسی نشان می‌دهد که توجه به مؤلفه‌هایی چون ارتقای کیفی محیط، هویت، انعطاف‌پذیری، همه‌شمولی، فضاهای آموزش‌دهنده و تعاملات اجتماعی در طراحی محلات، سبب ارتقای تاب‌آوری اجتماعی می‌گردد.

کلیدواژه‌ها: تاب‌آوری، تاب‌آوری اجتماعی، طراحی شهری، محله جلفا اصفهان.

^۱ دانشجویار گروه شهرسازی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر، استان تهران، شهر تهران (نویسنده مسئول مکاتبات)
E-mail: p.partovi@art.ac.ir

^۲ استاد گروه شهرسازی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت، استان تهران، شهر تهران
E-mail: behzadfar@iust.ac.ir

^۳ کارشناس ارشد طراحی شهری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر، تهران، ایران
E-mail: shirani_sh@yahoo.com

^۴ مقاله حاضر برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد زهرا شیرانی با عنوان «راهنمای طراحی شهری به منظور ارتقای تاب‌آوری اجتماعی- فرهنگی محلات شهری (نمونه موردی محله جلفا اصفهان)» به راهنمایی دکتر پروین پرتوی و مشاوره دکتر مصطفی بهزادفر است.

مقدمه

هرچند تاب‌آوری اصطلاح جدیدی در عرصه شهرسازی است، لیکن از آنجا که فطرت انسان بر پایه بقاست بحث تاب‌آوری همواره دغدغه فکری وی محسوب می‌شده و افکار نظریه‌پردازانی مانند ابن خلدون (۷۷۷ ه. ق)، اسپنگلر (۱۹۱۸ م) و پاتریک گدس (۱۹۱۵ م) را به خود مشغول ساخته است. همه این افراد نقش عوامل اجتماعی و فرهنگی را در تاب‌آوری شهرها لحاظ داشته‌اند. با این همه بسیاری از پژوهش‌ها در مورد تاب‌آوری معطوف به ایجاد امنیت و بدون توجه به رابطه عاطفی انسان با مکان انجام شده‌اند، لیکن تجربه‌های بحران‌های به‌وقوع پیوسته در دهه‌های اخیر نیز به‌روشنی بر نقش انسان در تاب‌آوری شهرها تأکید ورزیده است. سونامی اقیانوس هند در سال ۲۰۰۴ و طوفان کاترینا در نئوآرلئان در سال ۲۰۰۵ و طوفان سندی در سال ۲۰۱۲ همگی حاکی از این مطلب بود که پس از حادثه، برگشت شهرها و روستاهای کوچک در هر نمونه با سرعت متفاوتی صورت می‌پذیرفت و این تفاوت ناشی از نقش مشارکت مردمی و سرمایه اجتماعی متفاوت و به‌عبارتی تفاوت در تاب‌آوری اجتماعی در مناطق گوناگون در هر نمونه بود می‌توان چنین برداشت نمود که تاب‌آوری اجتماعی سبب می‌گردد جوامع سوانح یکسان را به صورت متفاوت تجربه نمایند (LaLone, 2012, 209). با ظهور مدرنیته و در شرایطی که شهر اطلاعاتی در حال ظهور است و هر روز گسست اجتماعی بیشتری در جوامع بروز می‌نماید ارتقای تاب‌آوری اجتماعی دغدغه مهمی برای شهرها محسوب می‌شود و از آنجا که محلات عناصر مهمی در تاب‌آوری جوامع هستند و حیات هر شهر وابسته به حیات محلات واقع در آن است، این پژوهش در پی ارتقای تاب‌آوری اجتماعی در سطح محلات شهری با تأکید بر طراحی شهری بوده است. به این منظور این مقاله در چهار بخش تدوین شده است. در بخش یک به بررسی پیشینه نظری تحقیق پرداخته شده و در انتهای این بخش مدل مفهومی تاب‌آوری اجتماعی ارائه گردیده است. بخش دوم به معرفی روش تحقیق اختصاص یافته است. در بخش سوم به شناخت نمونه موردی تحقیق و در بخش چهارم به بررسی یافته‌های پژوهش پرداخته شده است تا در نهایت مدل نهایی تحقیق در نمونه موردی پژوهش که حاصل تحلیل محتوای استقرایی داده‌های حاصل از مصاحبه‌های نیمه‌ساختار یافته، با سه گونه اجتماعی ساکن در محله جلفا اصفهان و با توجه به عوامل مرتبط با شاخص‌های مدل مفهومی تاب‌آوری اجتماعی ارائه شده در بخش یک است، تبیین گردد.

پیشینه نظری

در این بخش مفاهیم تاب‌آوری و تاب‌آوری اجتماعی مورد واکاوی قرار می‌گیرند، سپس با توجه به جمع‌بندی نظریات نظریه‌پردازان مدل مفهومی تاب‌آوری اجتماعی ارائه می‌گردد.

تاب‌آوری

واژه تاب‌آوری در فرهنگ آکسفورد به معنای توانایی مردم یا چیزها به این منظور که بعد از حوادث ناگوار مانند شوک، آسیب و... به سرعت به احساس بهتری دست یابند و نیز به معنای توانایی مواد به منظور بازگشت به حالت اولیه بعد از خم شدن، کشش و یا فشرده شدن معنا شده است (Oxford, 2005). این واژه را هولینگ نظریه‌پرداز بوم‌شناختی در سال ۱۹۷۳ معرفی کرد. وی تاب‌آوری را به‌عنوان یک مفهوم توصیفی و کیفی که فراهم‌آورنده بینش در مورد ویژگی‌های پویای یک سیستم است معرفی می‌کند (Gross, 2008, 3). امروزه تاب‌آوری به‌عنوان راهی برای تقویت جوامع با استفاده از ظرفیت‌های

آنها مطرح می‌گردد (Karrholm, 2014, 121). در حال حاضر تعاریف متعددی از این واژه مطرح می‌شود در تمام تعاریف متعددی که در مورد تاب آوری وجود دارد بر تفاوت تاب آوری و مقاومت تأکید شده است. مقاومت در ریاضیات و مهندسی به‌عنوان نیروی مورد نیاز برای عدم تغییر سیستم از تعادل تعبیر می‌شود در حالی که تاب آوری به زمان مورد نیاز برای بازگشت به تعادل اشاره می‌نماید و در این تعاریف دو نکته مهم عمومیت دارد: اول تاب آوری به‌عنوان یک ایده فرایندمحور که بهتر از فرآورده‌محور است مطرح می‌گردد و دوم اینکه تاب آوری به‌عنوان مفهومی در معنای سازگاری مطرح می‌شود که نسبت به پایداری و ثبات (مقاومت) ارجحیت دارد (Norris, 2008, 129-130).

هولینگ در مقایسه تاب آوری و پایداری سیستم‌های زیست محیطی بیان می‌کند: ما با سیستمی روبه‌رو هستیم که به‌طور ژرفی تحت تأثیر تغییرات بیرونی قرار می‌گیرد و به‌طور ممتد با مسائل غیرمنتظره مواجه می‌گردد، در این خصوص پایداری رفتار آن بسیار کم‌اهمیت‌تر از پایداری روابط درونی آن است (cited in Gross, 2008, 3) و معتقد است تاب آوری توانایی سیستم برای بازگشت به حالت تعادل پس از یک اختلال موقتی را تأمین می‌کند. هرچه سرعت بازگشت به تعادل بیشتر و نوسانات و تغییرات کمتری بروز نماید سیستم با ثبات‌تر و پایدارتر است. او نتیجه می‌گیرد که تاب آوری و ثبات دو خاصیت مهم یک سیستم هستند و سیستم می‌تواند تاب آوری بالایی داشته باشد در حالی که نوسانات زیادی دارد و پایداری آن پایین است (Holling, 1973, 1). از دیگر سو اهداف پایداری به منظور بازگشت به حالت تعادل است در حالی که تاب آوری در جستجوی راه‌های مدیریت در یک جامعه نامتعادل است (Zoli, 2012, 10). تاب آوری می‌تواند هم مفهومی هنجاری و هم مفهومی توصیفی باشد در حالی که پایداری به‌عنوان مفهومی هنجاری است که در واقع از ایده اساسی عدالت درون‌نسلی و برون‌نسلی نشئت گرفته است (Speranza et al., 2014, 114).

تاب آوری در شهرسازی در دهه ۱۹۹۰ یعنی حدوداً دو دهه پس از مطرح شدنش، ظاهر شد البته تاب آوری شهری هنوز فاقد تعریف روشن است و در مواجهه با تغییرات اقتصادی، جهانی شدن، تکنولوژیکی، فرهنگی و به‌طور کلی تمام بحران‌هایی مطرح می‌شود که شهر با آنها مواجه می‌گردد (Lu & Stead, 2013, 201). برخی معتقدند دسترسی به شهر تاب آور یک اتوپیاست ولی در عمل تفاوت درجه تاب آوری شهرها در برابر تغییرات، مشاهده می‌گردد (Godschalk, 2003). به‌طور کلی می‌توان مفهوم شهر تاب آور را امری نسبی تلقی نمود، همه شهرها در حال تغییرند لیکن برخی از تغییرات به‌صورت تدریجی و برخی به‌صورت ناگهانی بروز می‌نمایند. تشخیص زودهنگام تغییرات و تأثیرات آنها بر روی شهر و برنامه‌ریزی و طراحی بر اساس این تشخیص می‌تواند به میزان قابل توجهی سبب ارتقای تاب آوری شهر در برابر تغییرات به‌وجود آمده گردد (Desouza & Flanery, 2013, 93-94). در بحث مربوط به تاب آوری این سؤال مطرح می‌گردد که تاب آوری چه چیز در برابر چه چیز؟ جواب چه چیز اول نوع سیستمی که باید تاب آور باشد را مشخص می‌کند و چه چیز دوم به نوع بحرانی که سیستم باید در برابر آن تاب آور باشد اشاره دارد. بر همین اساس تاب آوری دارای ابعاد متعدد کالبدی، اجتماعی، اقتصادی، نهادی، معیشتی^۱، فضایی^۲ و.... است (Lu & Stead, 2013, 201).

تاب آوری اجتماعی

اگر توجه به جنبه‌های اجتماعی در تاب آوری بیشتر از توجه به زیرساخت‌های کالبدی و فیزیکی در مدیریت بحران اهمیت نداشته باشد، دست‌کم به همان اندازه حائز اهمیت است (Lucini, 2013, 255). در جایی که جنایت، بی‌خانمانی، بیکاری و بحث‌های مربوط به تغذیه نامناسب و آموزش ناکافی نمایان است،

دیگر نمی‌توان برای مسائل پیشگیری از بلایا اهمیت زیادی قائل شد (Cutter et al., 2008, 7). لذا مفهوم تاب‌آوری گام به گام تکامل یافت و توجه از مفهوم اولیه اکولوژیکی آن به سمت مفهوم اجتماعی-اکولوژیکی و سپس به سمت مفهوم اجتماعی جلب گردید (Keck & Sakdapolrak, 2013, 9). اصطلاح تاب‌آوری اجتماعی اولین بار توسط ادگر مطرح شد. وی تاب‌آوری اجتماعی را به‌عنوان توانایی گروه‌ها و یا جوامع برای مقابله با تنش‌های خارجی و اختلالات در مواجهه با تغییرات اجتماعی، سیاسی و زیست‌محیطی تعریف می‌کند (Adger, 2000, 1). تاب‌آوری اجتماعی شامل شرایطی است که تحت آن افراد و گروه‌های اجتماعی با تغییرات محیطی انطباق می‌یابند. به‌طور کلی قابلیت تاب‌آوری اجتماعی، توان یک اجتماع برای برگشت به تعادل یا پاسخ مثبت به مصیبت‌ها است (Keck & Sakdapolrak, 2013, 13). با آنکه هنوز در تعریف و شاخص‌سازی این مفهوم ابهامات زیادی وجود دارد (Sapirstein, 2006, 4)، لیکن همه تعاریف موجود در مورد تاب‌آوری اجتماعی به ظرفیت‌های افراد، سازمان‌ها و یا جوامع برای تحمل کردن، جذب کردن، تطبیق و تبدیل در برابر تهدیدات اجتماعی از هر نوع، توجه دارند (Keck & Sakdapolrak, 2013, 9). تاب‌آوری اجتماعی دارای مراحل مختلفی است و به‌طور قابل ملاحظه‌ای باعث دوام و استحکام اجتماع می‌گردد. سطح انعطاف‌پذیری گروه‌های مختلف در یک اجتماع با هم تفاوت دارد و عکس‌العمل آنها نیز در موارد بحرانی متفاوت است (Maguire & Hagan, 2007, 16). با مقایسه اجتماعات گوناگون به این نتیجه می‌رسیم که عواملی مانند هویت که باعث ایجاد پاسخ‌های متفاوت در جوامع گوناگون نسبت به بلایای مشابه می‌شوند سبب ایجاد سطوح مختلف تاب‌آوری در جامعه می‌گردند (Cumming, 2011). وجود گروه‌های اجتماعی با شرایط اجتماعی، اقتصادی و میزان آسیب‌پذیری متفاوت در یک اجتماع به این معنی است که تاب‌آوری گروه‌های مختلف در یک جامعه نسبت به یک حادثه متفاوت است. گروه‌های آسیب‌پذیر اجتماع مانند سالخورده‌گان، بچه‌ها و یا افراد با شرایط نامساعد اجتماعی ممکن است منابع و امکانات کمتری به منظور مقابله با بلایا در دسترس داشته باشند. شرایط اجتماعی باعث می‌شود که تعدادی از اعضای جامعه در اثر مصیبت‌های وارده کمتر تأثیرپذیر باشند و بعضی‌ها بیشتر (Oxfam, 2005, 1). در این حالت ایجاد شرایط مساعد به منظور توانا ساختن گروه‌های آسیب‌پذیر اجتماعی نوعی خلاقیت محسوب می‌شود و باعث ارتقای تاب‌آوری اجتماعی می‌گردد (Maguire & Hagan, 2007, 18). به‌عنوان مثال وجود شبکه‌های اجتماعی نزدیک و صمیمی سبب ارتقای تاب‌آوری بزرگسالان در برابر جنبه‌های منفی پیری می‌شود (Yee & Meli-char, 2014, 453). با آنکه در برخی از موارد فاکتورهایی که باعث آسیب‌پذیری می‌شوند با آنهایی که باعث تاب‌آوری می‌گردند همپوشانی دارند ولی این مسئله که یک جامعه آسیب‌پذیر تاب‌آوری ندارد، عمومیت ندارد (Cutter et al., 2008, 4). ممکن است در جامعه‌ای آسیب‌پذیری بالا باشد ولی ارتباطات اجتماعی به‌قدری قوی باشد که برگشت از حالت آسیب‌دیده هرچه زودتر رخ دهد، لذا در این حالت با وجود آسیب‌پذیری بالا تاب‌آوری بالاست (Shaw et al., 2014, 194). لذا اگر بخواهیم شهر تاب‌آوری داشته باشیم نیاز به بررسی وسیعی در مورد پتانسیل‌های پاسخگویی و بازسازی به‌خطرات افراد جامعه داریم (LaLone, 2012, 209). نقطه شروع برای مطالعات تجربی در مورد تاب‌آوری اجتماعی این سؤالات است: تاب‌آوری برای چه؟ در برابر چه؟ تهدیدها معمولاً به صورت خارجی بر اجتماعات فرض می‌شوند (مانند اثر قیمت بر هزینه خانوار) ولی ممکن است درونی نیز باشند (Keck & Sakdapolrak, 2013, 9). به‌عنوان مثال یک اجتماع ممکن است در زمانی نسبت به همه‌گیر شدن آنفلونزا آسیب‌پذیر

باشد و این به دلیل نداشتن تجربه و فقدان منابع اجتماعی و آگاهی در روبه‌رو شدن با آن مشکل است (Maguire & Hagan, 2007, 18).

شاخص‌های مربوط به سنجش تاب‌آوری اجتماعی از دید نظریه پردازان

ادگر (۲۰۰۰) معتقد است جوامعی که در آنها با تنوع منابع مواجهیم به دلیل انعطاف‌پذیری بالاتر، تاب‌آورترند. او مهاجرت و استرس جابجایی قابل توجه جمعیت را اغلب نشانه‌ای از شکست تاب‌آوری اجتماعی می‌داند چرا که مهاجرت اغلب بر زیرساخت‌های اجتماعی هر جامعه اثرات منفی می‌گذارد. از سایر عناصر مؤثر بر تاب‌آوری اجتماعی، برطبق برداشت از نظریات ادگر، همکاری و مشارکت شهروندان، همبستگی اجتماعی، داشتن هویت واحد، حس تعلق، وجود امنیت و فراگیری اجتماعی را می‌توان استخراج نمود (Adger, 2000). وی در مقاله‌ای دیگر (۱۹۹۷) بر سطح اقتصادی و برابری به‌عنوان عوامل تأثیرگذار بر همبستگی اجتماعی تأکید می‌ورزد و علاوه بر معیارهای بالا عوامل دیگری چون میزان شغل، نرخ جرم و جنایت را به‌عنوان سنجه‌های میزان تاب‌آوری اجتماعی جوامع برمی‌شمارد (Adger, 1997, 20).

پلینگ و هایگ (۲۰۰۵) معتقدند که روابط اجتماعی غیررسمی بهترین منبع برای حفظ ظرفیت‌ها به منظور ساخت تاب‌آوری اجتماعی و تغییر جهت جمعی است (Pelling and High, 2005). کاتر (۲۰۰۸) می‌نویسد تاب‌آوری اجتماعی می‌تواند از طریق ثروت، بیمه، دسترسی به منابع مالی، شبکه‌های اجتماعی، مشارکت اجتماعی و درک خطر از سوی جامعه افزایش یابد (Cutter et al., 2008, 9). واس (۲۰۰۸) معتقد است ظرفیت مشارکت و توزیع عادلانه دانش و قدرت عناصر اصلی تاب‌آوری اجتماعی است (Voss, 2008).

مدل تاب‌آوری اجتماعی نوریس به چهار بعد اصلی توسعه اقتصادی، سرمایه اجتماعی، داده‌ها و ارتباطات و توانایی‌های جامعه اختصاص یافته است. بعد سرمایه اجتماعی متشکل از حمایت اجتماعی، ارتباط و همکاری سازمان‌ها، مشارکت مردمی، حس جامعه محلی و دلبستگی مکانی است. بعد توسعه اقتصادی به درک خطر و آسیب‌پذیری مخاطرات، تنوع منابع اقتصادی و عدالت در پخش منابع می‌پردازد. بعد قابلیت جامعه محلی به مهارت حل مسئله، انعطاف‌پذیری، خلاقیت، توانایی و کارایی جامعه محلی و نیز وجود مشارکت توأم با اعتماد در جامعه اطلاق می‌گردد به نظر نوریس عضویت در جامعه محلی، منبع مهمی برای ترغیب اعضای جامعه برای توانمندی مؤثر در مواجهه با چالش‌های زندگی است؛ لذا حس جامعه محلی می‌تواند از ملزومات تاب‌آوری باشد. با حس جامعه محلی مشارکت در شبکه‌های اجتماعی شکل می‌گیرد و توانمندی‌های افراد، توانمندی‌های جامعه را برای استفاده از منابع داخلی در برابر مواجهه با بحران‌های وارده، بالا می‌برد. بعد اطلاعات و ارتباطات به روایت‌ها و اطلاعات قابل اعتماد می‌پردازد (Norris, 2008, 140).

سیننر و همکاران (۲۰۰۹) در پژوهشی چهار عنصر میزان دارایی، انعطاف‌پذیری، ظرفیت برای خودسازماندهی و ظرفیت یادگیری یک جامعه را به‌عنوان اجزا کلیدی تاب‌آوری اجتماعی معرفی می‌کنند و معتقدند تاب‌آوری اجتماعی در سه مقیاس محلی، منطقه‌ای و ملی قابل بررسی است، در حالی که این سه سطح به یکدیگر مرتبطند (Cinner et al., 2009, 3).

راس و همکاران (۲۰۱۰) معیارهای تاب‌آوری اجتماعی را در هفت دسته اصلی زیر تقسیم‌بندی می‌کنند

- و معتقدند با این هفت حوزه اصلی می‌توان تاب‌آوری اجتماعی را تقویت نمود: (Ross et al., 2010)
- اجتماعی (تار و پود جامعه شامل قدرت، انسجام اجتماعی، اعتماد، شبکه‌ها، برابری، ایمنی، حس مکان و خلاقیت)
 - انسانی (وضعیت افراد از جمله مهارت‌ها، دانش‌ها و تجربیات زندگی، ارزش‌ها، فعالیت شهروندی، حقوق و مسئولیت‌ها و....)
 - طبیعی (شامل منابع از جمله ضایعات، ارزش‌های مصرفی و غیرمصرفی، تنوع زیستی، تغییرات آب و هوایی، زیستگاه طبیعی)
 - فیزیکی یا کالبدی (شامل زیرساخت‌های حامی نیازهای انسانی شامل حمل و نقل، بهداشت، امکانات تعلیم و تربیت، خدمات انسانی، مسکن و ارتباطات)
 - مالی (شامل درآمد و توزیع آن، اشتغال، هزینه‌های اقتصادی از تأثیر محیط و اجتماع و...)
 - فرهنگی (شامل سنت‌ها، داستان‌ها، تاریخ، دلبستگی به مکان و...)
 - دولتی (شامل ایجاد مشارکت در تصمیم‌گیری، ایجاد عدالت اجتماعی و...)

بر اساس ملاحظات ابريست و همکاران (۲۰۱۰) تاب‌آوری اجتماعی، ظرفیت افراد برای دسترسی به سرمایه‌های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی (سرمایه‌های معرفی شده توسط بوردیو) است، نه فقط به منظور انطباق با شرایط گوناگون (ظرفیت واکنشی) بلکه همچنین به منظور خلق شرایط مثبت (ظرفیت پیش‌بینانه) و توسعه رقابت در مواجهه با خطر. سؤال کلیدی ابريست این است که چگونه ظرفیت‌های افراد، گروه‌ها و ارگان‌ها را به منظور مواجهه با خطر افزایش دهیم؟ او معتقد است تاب‌آوری اجتماعی در حالتی اتفاق می‌افتد که افراد از طریق این سرمایه‌ها به سرمایه نمادین دست یابند و به کمک آن نظم اجتماع را بازسازی کنند (Obrist, 2010, 289). در این میان نقش سرمایه اجتماعی در ایجاد و حفظ تاب‌آوری اجتماعی بسیار کلیدی است.

ماگویر و هاگان بر اساس جمع‌بندی نظرات تعدادی از اندیشمندان معیارهایی را برای سنجش تاب‌آوری اجتماعی معرفی کردند که عبارت‌اند از: اعتماد، مدیریت، سرمایه اجتماعی، میزان اشتراکات مابین ساکنان، پیوستگی اجتماعی و حس اجتماع، تقسیم کار و همکاری، ارزش‌ها، نگرش‌ها و هنجارهای حاضر، ارتباطات و اطلاعات، منابع مورد نیاز (Maguire & Hagan, 2007, 19). علاوه بر موارد ذکر شده نظریه‌پردازان دیگری نیز درخصوص تاب‌آوری اجتماعی به معرفی شاخص پرداخته‌اند که در جدول ۱ به نظریات برخی دیگر از آنها نیز اشاره شده است. جمع‌بندی نظریات گوناگون حاکی از این مطلب است که با آنکه در مورد فاکتورهایی که باعث تاب‌آوری می‌شوند و نحوه اندازه‌گیری آنها اتفاق نظر وجود ندارد (Cutter et al., 2008, 7)، لیکن شاخص‌های مطرح شده از نظریه‌پردازان گوناگون گاه با یکدیگر همپوشانی دارند.

جمع‌بندی نظریات

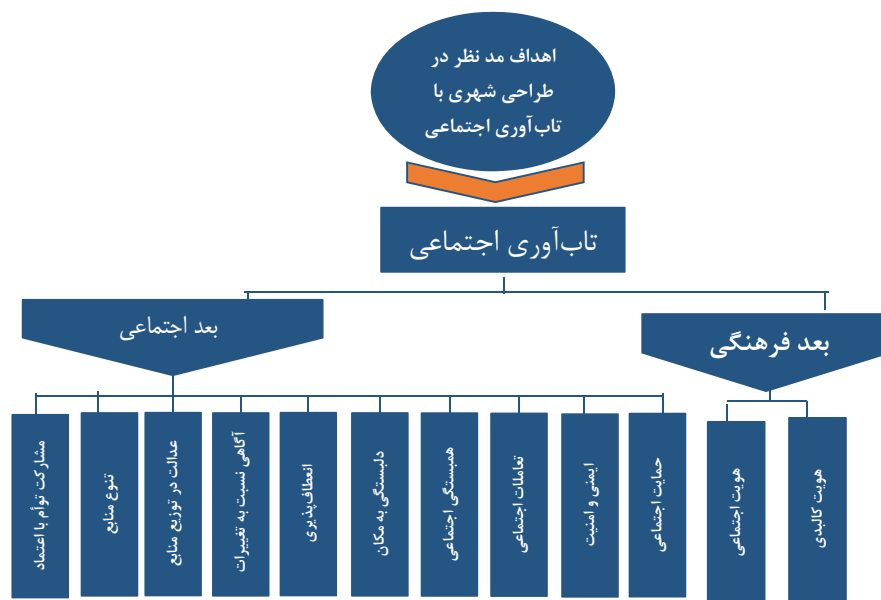
با بررسی نظریات نظریه‌پردازان و گروه‌بندی شاخص‌های دارای اشتراکات مفهومی و لغوی در یک دسته، می‌توان به ۱۲ عامل اصلی جدول ۱ دست یافت که با ارتقای این شاخص‌ها می‌توان تاب‌آوری اجتماعی جوامع را بهبود بخشید. لذا اگر طراحی شهری بتواند این شاخص‌ها را ارتقا بخشد، می‌توان چنین ادعا نمود که طراحی شهری سبب ارتقای تاب‌آوری اجتماعی شده است. به عبارت دیگر ارتقای این شاخص‌ها اهداف طراحی شهری به منظور ارتقای تاب‌آوری اجتماعی است.

جدول ۱. جمع‌بندی نظرات اندیشمندان و استخراج شاخص‌های اصلی تاب‌آوری اجتماعی

شماره	شاخص	شاخص‌های مد نظر نظریه‌پردازان
۱	دلبستگی به مکان	عدم تمایل به مهاجرت، حس تعلق (Adger, 2000)؛ دلبستگی مکانی (Norris, 2008)؛ دلبستگی به مکان (Ross et al., 2010)
۲	همبستگی اجتماعی	شبکه‌های اجتماعی (Cutter, 2008)؛ همبستگی اجتماعی (Adger, 2000; Arefi, 2011)؛ حس جامعه محلی حس جامعه محلی پیوند و درگیری در شبکه‌های اجتماعی (Norris, 2008)؛ انسجام اجتماعی، شبکه‌ها (Ross et al., 2010)؛ شبکه‌های اجتماعی (Kuhlicke et al., 2011).
۳	حمایت اجتماعی	کاستن از آسیب‌پذیری (Sanders, 2008)؛ بیمه (Cutter, 2008)؛ حمایت اجتماعی (Norris, 2008)
۴	ایمنی و امنیت	کاستن از جرم (Sanders, 2008)؛ وجود امنیت، نرخ جرم و جنایت (Adger, 2000)؛ ایمنی
۵	روابط اجتماعی	روابط اجتماعی غیررسمی (Pelling and High, 2005)؛ تعاملات اجتماعی بالا (Arefi, 2011)؛ روابط اجتماعی (Kuhlicke et al., 2011).
۶	مشارکت	مشارکت اجتماعی (Cutter, 2008)؛ ظرفیت مشارکت، توزیع عادلانه دانش و قدرت (Voss, 2008)؛ همکاری و مشارکت شهروندان (Adger, 2000)؛ الحاق حق مردم به شهر (Arefi, 2011)؛ ارتباط و همکاری سازمان‌ها، مشارکت مردمی (Norris, 2008)؛ فعالیت شهروندی (حقوق و مسئولیت‌ها و...)، مشارکت در تصمیم‌گیری (Ross et al., 2010).
۷	آگاهی	درک خطر از سوی جامعه (Cutter, 2008)؛ فراگیری اجتماعی، حساسیت زیست محیطی شهروندان (Adger, 2000)؛ درک خطر و آسیب‌پذیری مخاطرات، روایت‌ها و اطلاعات قابل اعتماد (Norris, 2008)؛ خلاقیت، مهارت‌ها، دانش‌ها و تجربیات زندگی (Ross et al., 2010)؛ دانش عملی (Kuhlicke et al., 2011)؛ پیش‌بینی تنش (Twige, 2009)؛ ظرفیت یادگیری (Cinner et al., 2009).
۸	تنوع منابع	ثروت، دسترسی به منابع مالی (Cutter, 2008)؛ تنوع منابع، دسترسی به سرمایه‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی (Obrist, 2010)؛ وجود دسترسی بالا ساکنان به منابع (Arefi, 2011)؛ تنوع منابع اقتصادی (Norris, 2008)؛ منابع متنوع، توزیع درآمد (Ross et al., 2010)؛ ظرفیت اقتصادی (Kuhlicke et al., 2011).
۹	عدالت و برابری	عدالت در پخش منابع (Norris, 2008)؛ برابری، عدالت اجتماعی (Ross et al., 2010)
۱۰	هویت	هویت واحد (Adger, 2000)؛ حس مکان، ارزش‌ها، سنت‌ها، داستان‌ها، تاریخ، و... (Ross et al., 2010)
۱۱	کارایی جامعه محلی و اعتماد به آن	عملکرد جامعه محلی (مهارت بازتاب انتقادی و حل مسئله، انعطاف‌پذیری و خلاقیت، توانایی و کارایی جامعه و مشارکت سیاسی و منابع قابل اعتماد از داده‌ها (Norris, 2008)؛ قدرت (Ross et al., 2010)؛ نهادهای حکومتی و روش‌ها (Kuhlicke et al., 2011)؛ مدیریت یا حفظ عملکرد اساسی و ساختار در طول بحران (Twige, 2009)؛ اعتماد (Ross et al., 2010)؛ دارایی، ظرفیت برای خودسازماندهی (Cinner et al., 2009)؛ بازیابی و بازگشت پس از حادثه، پیش‌بینی، کم کردن، جذب تنش از طریق تطبیق یا مقاومت (Twige, 2009).
۱۲	انعطاف‌پذیری	تطبیق با تنش (Twige, 2009)؛ انعطاف‌پذیری (Cinner et al., 2009).

منبع: جمع‌بندی نظرات توسط نگارندگان

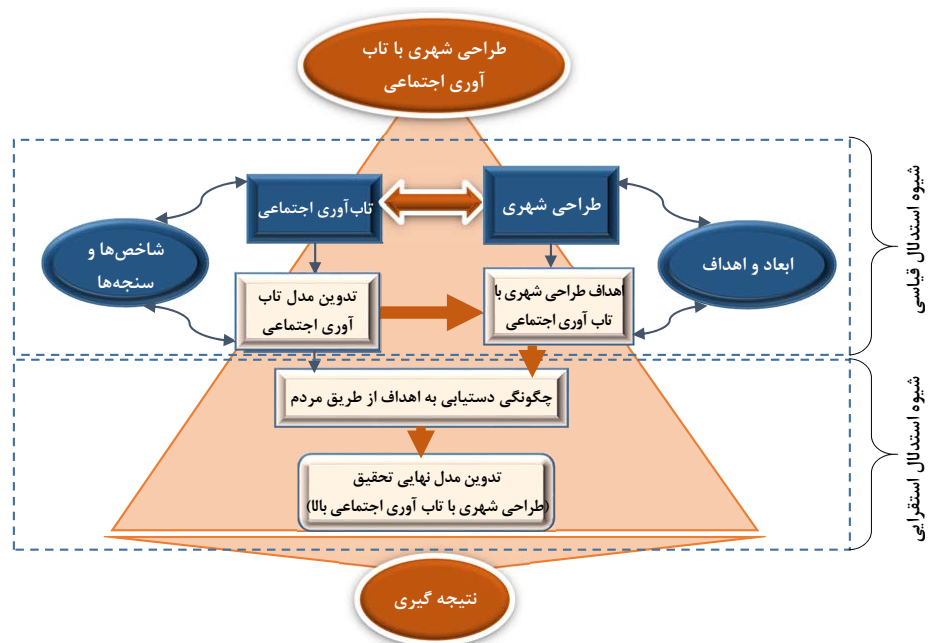
بر اساس شاخص‌های حاصل از جدول ۱ می‌توان مدل مفهومی مرتبط با تاب‌آوری اجتماعی را مطابق شکل ۱ ارائه نمود. در تدوین این مدل شاخص‌های مربوطه در دو بعد اجتماعی و فرهنگی دسته‌بندی شده‌اند.



شکل ۱. مدل مفهومی تاب آوری اجتماعی
منبع: نگارندگان

روش تحقیق

در بحث تاب آوری اجتماعی و فرهنگی انسان مرجع اصلی تحقیق محسوب می‌گردد و با توجه به ماهیت انسان به عنوان موجودی پیچیده و گاه غیرقابل پیش‌بینی، در این پژوهش از رویکرد کیفی استفاده شده است، چرا که این رویکرد برخلاف رویکرد کمی تفسیری، کل‌گرا و انسان‌گراست (Vaderstoep & John, 2009, 166)، بر شرایط اجتماعی و فرهنگی معاصر تکیه دارد و یکی از مشخصه‌های بارز آن فهم چگونگی درک مردم از تجربیات شخصی در محیط زندگی است (گروت و وانگ، ۱۳۸۴، ۱۴). در این روش برای دیدگاه‌های افراد مورد تحقیق، ارزش قائل می‌شوند و می‌کوشند تا از دیدگاه‌های آنان آگاه گردند و ضمن آنکه پژوهشگر و افراد مورد تحقیق با هم رابطه متقابل برقرار می‌کنند و برای جمع آوری داده‌های اصلی به گفته‌ها و رفتارهای قابل مشاهده افراد تکیه می‌کنند (مارشال و راس من، ۱۳۷۷، ۷). محصول نهایی تحقیق ضمن پذیرش این نکته که حقیقت هرگز به طور قطعی قابل حصول نیست، به دلیل تأثیر پذیری از فرهنگ، زمان و مکان و سایر شرایط از ماهیتی نسبی برخوردار است (پرتوی، ۱۳۸۶، ۱۲). از آنجا که هدف این مقاله ارتقای تاب آوری اجتماعی از طریق طراحی شهری است ابتدا شاخص‌های تاب آوری اجتماعی از طریق بررسی نظریات موجود در زمینه تحقیق شناسایی شده و سپس عواملی که سبب ارتقای این شاخص‌ها از طریق طراحی شهری می‌گردد، استخراج شده‌اند. در این زمینه روش استدلال در بخش تدوین مدل تاب آوری اجتماعی از نوع قیاسی بوده و در بخش تدوین عوامل مرتبط با طراحی شهری با تاب آوری اجتماعی بالا، روش استدلال تحلیل محتوای استقرایی است. بر این اساس ساختار تحقیق را می‌توان در شکل ۲ مشاهده کرد. در مرحله استدلال قیاسی شاخص‌های مدل تاب آوری اجتماعی حاصل از شیوه استدلال قیاسی اهداف طراحی شهری را تشکیل می‌دهند و در مرحله استدلال استقرایی به چگونگی دستیابی به اهداف تعیین شده از طریق مشارکت کنندگان پرداخته شده است.



شکل ۲. ساختار کلی تحقیق
منبع: نگارندگان



شکل ۳. مراحل انجام تحقیق
منبع: نگارندگان

انتخاب مشارکت‌کنندگان در این پژوهش به روش گلوله برفی صورت گرفته و مصاحبه‌ها تا رسیدن به اشباع نظری ادامه یافته است. در بخش تحلیل داده‌ها (مصاحبه‌ها) شیوه تکنیک تحلیل محتوای استقرایی به کار برده می‌شود تا از این طریق چگونگی دستیابی به اهداف تعیین شده، از طریق طراحی شهری توسط مشارکت‌کنندگان معین گردد در این حالت پژوهشگران از به کارگرفتن مقوله‌های پیش‌پنداشته می‌پرهیزند و در عوض روشی اتخاذ می‌کنند که مقوله‌ها از داده‌ها ناشی شوند. در این حالت، محققان خودشان را بر امواج داده‌ها شناور می‌کنند تا شناختی بدیع برایشان حاصل شود، بنابراین از طریق استقرا، مقوله‌ها از داده‌ها ظهور می‌یابند (ایمان، نوشادی، ۱۳۹۲). در این راستا درخصوص شاخص‌های تاب‌آوری اجتماعی حاصل از روش استدلال قیاسی مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با ساکنان صورت پذیرفت و از متن مصاحبه‌ها واحدهای تحلیل استخراج و کدگذاری شد و کدها به مقولات تبدیل شدند و در نهایت عوامل مؤثر بر ارتقای هر شاخص از طریق مشارکت‌کنندگان و از دل زمینه تحقیق حاصل آمد. مراحل انجام تحقیق در شکل ۳ آمده است.

۳. شناخت نمونه موردی پژوهش

در زمان شاه عباس صفوی بخشی از جمعیت ارامنه جلفا به شهر اصفهان کوچانده شدند. این ارامنه در سال ۱۶۰۵ به اصفهان وارد شدند و به فرمان شاه عباس زمینی برای خانه‌سازی به آنها بخشیدند (درهوهانیان، ۱۳۷۹، ۲۲) و این منطقه به نام محل زادگاه‌شان جلفا نامگذاری شد. در حال حاضر محله جلفا یکی از محلات تاریخی اصفهان است که در منطقه ۵ اصفهان و در حاشیه جنوبی رودخانه زاینده‌رود واقع گردیده است (شکل ۴). این محله که روزگاری تنها ارامنه در آن زندگی می‌کردند دیگر مخصوص اقلیت خاصی نیست و محل زندگی ساکنانی با تنوع فرهنگی و مذهبی شده و حدود تاریخی آن دستخوش تغییرات عدیده‌ای گردیده است. در این پژوهش با توجه به بررسی میدانی بر اساس تنوع کالبدی و استفاده‌کنندگان حدود کنونی محله جلفا به سه گونه تقسیم گردید. این تقسیم‌بندی در شکل ۵ ترسیم شده است. در حال حاضر، حدود کنونی محله جلفا اصفهان، محدوده‌ای دارای تنوع اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است.



شکل ۴. موقعیت مکانی محله جلفا در ساختار تاریخی شهر اصفهان صفوی

منبع: آتک، ۱۳۸۶

همان‌گونه که در شکل ۵ نشان داده شده است از نظر استفاده‌کنندگان در گونه شماره ۱ و ۲ هر دو قشر مسلمان و ارامنه (با غلبه ارامنه) مشاهده می‌شود. بناهای تاریخی (بناهای مرتبط با ارامنه مانند کلیساها) در این دو محدوده بسیار بیشتر از گونه ۳ است. لذا در حال حاضر محدودیت ارتفاعی در ساخت‌وسازهای جدید برخلاف گونه شماره ۳ وجود دارد. با وجود تمام تشابهات بین این دو گونه ۱ و ۲، تنها تفاوتشان در این است که گونه ۱ بیشتر از گونه ۲ در مقیاس شهری عمل می‌نماید ولیکن تفاوت محسوسی بین این دو گونه و گونه ۳ وجود دارد. چرا که از نظر استفاده‌کنندگان در گونه ۳ غالب ساکنان مسلمان بومی با سطح ضعیف‌تر اقتصادی هستند در این گونه کاربری‌های مسجد و امامزاده به‌جای کلیسا در دو گونه قبلی متجلی می‌شوند.



گذار از محدوده یک و دو به سه: تنها با پیمودن چند قدم می‌توان دنیایی دیگر را تجربه کرد...

شکل ۵. تقسیم محله جلفا اصفهان به سه گونه

منبع: نگارندگان

یافته‌ها

– ارتقای تاب آوری اجتماعی با طراحی شهری در محله جلفا اصفهان

تاب آوری در طراحی شهری ایده‌ای است که طراحی با آسیب‌پذیری کمتر و انعطاف‌پذیری بیشتر را دنبال می‌نماید. این ایده از بازسازی شیکاگو و سان‌فرانسیسکو پس از آتش‌سوزی بزرگ در قرن نوزدهم، برلین و بیروت پس از جنگ‌های قرن بیستم و نئوآورلئان در مواجهه با طوفان کاترینا در اوائل قرن بیست و یکم نشأت گرفته است که با جنبشی در شهرهای نیویورک و استانبول و بمبئی با شعار «به‌سوی شهر تاب‌آور» همراه شد (Arefi, 2011, 674). جریان‌های اجتماعی اغلب در مکانی رخ می‌دهد و یک شکل و بافت فضایی دارد (Cummig, 2011) لذا می‌توان چنین برداشت نمود که تاب آوری اجتماعی به‌عنوان یکی از ابعاد اصلی تاب آوری و نظریه مکان به‌صورت مستقیم با یکدیگر ارتباط دارند (Iyon, 2011, 18) و طراحی شهری به‌عنوان علم ساخت و انتظام‌بخشی مکان در این رابطه حائز اهمیت کلیدی است. در این زمینه با ارتقای شاخص‌های تاب آوری اجتماعی از طریق طراحی شهری می‌توان تاب آوری اجتماعی را ارتقا بخشید.

- بررسی عوامل مؤثر بر اهداف طراحی شهری با تاب‌آوری اجتماعی

این پژوهش به منظور شناسایی عوامل مرتبط با طراحی شهری مؤثر بر شاخص‌های تاب‌آوری اجتماعی در محله جلفا اصفهان مراحل مطابق با شکل ۶ را طی نمود تا مدل نهایی تحقیق حاصل آید. همان‌گونه که ملاحظه می‌گردد با توجه به تقسیم محله به سه گروه و با توجه به قرابت استفاده‌کنندگان گونه ۱ و ۲ و وجود دو قشر غالب ارمنی و مسلمان در این دو محدوده لذا مشارکت‌کنندگان در این دو محدوده به‌طور مشترک و به روش گلوله برفی در دو گروه ارمنی و مسلمان تا رسیدن به اشباع نظری انتخاب شدند و با توجه به سطح اقتصادی و اجتماعی متفاوت ساکنان در محدوده سوم در این محدوده نیز به ترتیب مذکور مشارکت‌کنندگان انتخاب گردید. با استفاده از مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته درخصوص عوامل مؤثر بر هر شاخص تاب‌آوری اجتماعی و پیاده‌سازی مصاحبه‌ها بر روی کاغذ، تحلیل محتوای جداگانه متن مصاحبه‌ها برای هر گروه و کدگذاری باز عوامل مرتبط (مقوله‌ها) با هر شاخص استخراج گردید. در مرحله بعد مقوله‌های اصلی (۶ مقوله) مشترک در سه گروه با کدگذاری محوری حاصل شد. نمونه‌هایی از تحلیل محتوای مصاحبه‌های سه گروه درخصوص شاخص همبستگی اجتماعی به‌عنوان نمونه در قالب جدول ۲ آورده شده است. در مورد سایر شاخص‌ها نیز همین بررسی انجام پذیرفت. زبان نگارش منطبق بر زبان افراد مشارکت‌کننده در پژوهش است چراکه روش شناسی کیفی رهیافتی است که بر زبان بومی و دانش عمومی مبتنی بوده و باید به اصول زبان بومی و عامه‌فهم وفادار باشد. از سوی دیگر گزارش تحقیق و یافته‌های آن برای ارزیابی اعتبار، باید در دسترس افراد مشارکت‌کننده قرار گیرد، لذا در روش شناسی کیفی برخلاف روش شناسی کمی استفاده از ادبیات و نگارش علمی و رسمی مطرح نیست (محمدپور، ۱۳۹۲).



شکل ۶. مراحل تدوین مدل نهایی تحقیق

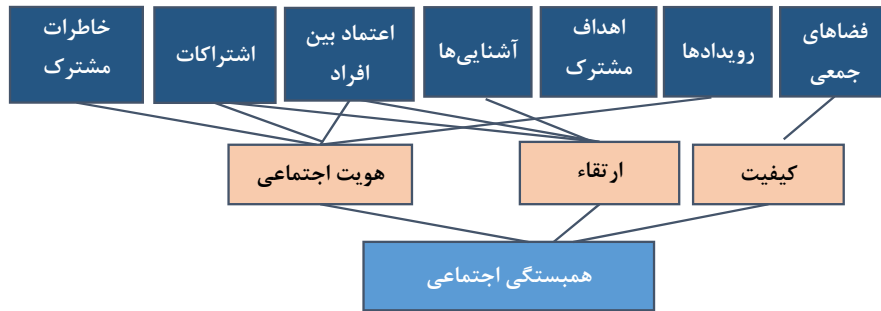
منبع: نگارندگان

جدول ۲. بررسی عوامل ایجادکننده همبستگی اجتماعی در سه گروه مورد بررسی در محله جلفا

مقوله	کد (رمز)	واحد تحلیل
بررسی عوامل ایجادکننده همبستگی اجتماعی در ارمنه ساکن در محدوده ۱ و ۲		
فضاهای مخصوص گردهمایی	گردهمایی در باشگاهمان	در باشگاهمون دورهم جمع میشیم در مورد مسائل مربوط به خودمان صحبت می‌کنیم.
اشتراکات (فرهنگ، عقاید و خصوصیات مشترک)	حفظ صلیب	نگاه کن اون صلیب رو ما باید اینا رو حفظ کنیم و برای همین مال این محله هستیم.
	اشتراکات نژادی و زبانی	ما آریایی هستیم و با ایرانی‌ها قرابت نژادی داریم در زبان ما ۷۰۰-۸۰۰ کلمه داریم که با فارسی هم معنی و هم تلفظ است.
	ارتباطات تاریخی ایرانیان و ارمنیان	از زمان خسرو و شیرین، شیرین زن شاه ایران، یک ارمنی بود.
رویدادها	زبان مشترک	ارمنه و ایرانی‌ها چون به هم اعتماد دارند و حرف و زبان هم را می‌فهمند باهم دوست می‌شوند.
	مراسم کریسمس و ...	در مراسمی مانند کریسمس و... دورهم جمع می‌شویم
خاطرات مشترک	مردمان قدیمی جلفا	مردمان قدیمی جلفا رو که می‌بینم انگار یک قوم و خویش می‌بینم.
	روزهای باهم گذرانده	چون از قدیم الایام هم را می‌شناسیم و باهم روزهای متعددی گذراندم یکدیگر را دوست داریم
ثبات اجتماعی عامل اعتماد	اعتماد به همسایگان قدیمی	ما به همسایگان قدیمی اعتماد داریم با آن‌ها رابطه‌مان خوب است
بررسی عوامل ایجادکننده همبستگی اجتماعی در مسلمانان ساکن در محدوده یک و دو		
کمبود فضای جمعی	ماییم و همین مادی	این محله جایی دیگه نداره که بشه یک فضا برای گردهمایی ایجاد کرد ماییم و همین مادی با این فضای سبز اطرافش
اهداف مشترک	کمک می‌کنم	برای تاسوعا، عاشورا من هم کمک می‌کنم و اونا شام برام میارند.
خاطرات مشترک	خاطرات خوب گذشته	هم محله‌ای‌های قدیمی من را به یاد خاطرات خوب گذشته می‌اندازد و شاد می‌شوم.
اشتراکات	هم محله‌ای	ما هم محله‌ای هستیم و هم دیگر را دوست داریم.
	هرکی مال یکجا	چون هرکی مال یکجاست کاری به کار کسی ندارد.
بررسی عوامل ایجادکننده همبستگی اجتماعی از نظر مسلمانان ساکن در محدوده سه		
آشنایی‌ها	افراد غیربومی	چون جدیداً افراد غیربومی از محلات دیگه اومدند و آپارتمان‌نشینی شده است ما کمتر هم محله‌ای‌ها مون را می‌شناسیم.
	عاملی منفی سنتی و بومی	در جاهای سنتی و بومی بیشتر می‌توان روی همسایه‌ها حساب کرد.
فضای جمعی	کمبود فضای جمعی	یه جایی برای این که جوان‌ها دورهم جمع بشوند نداریم.
اهداف مشترک	با همکاری هم	در دهه محرم که مسجد غذا می‌داد حدود ۱۰۰ نفر از محله برایش با همکاری هم سبزی پاک می‌کردند و سیب‌زمینی خرد می‌کردند و... تا مراسم مسجد در این ۱۰ شب برگزار شد.
رویدادها	مراسم روزه یا جشن	فقط وقتایی میریم امامزاده و مسجد روزه یا جشن، کنار هم می‌نشینیم آگه جشنی باشه شربت و شیرینی می‌خوریم نماز می‌خوانیم.

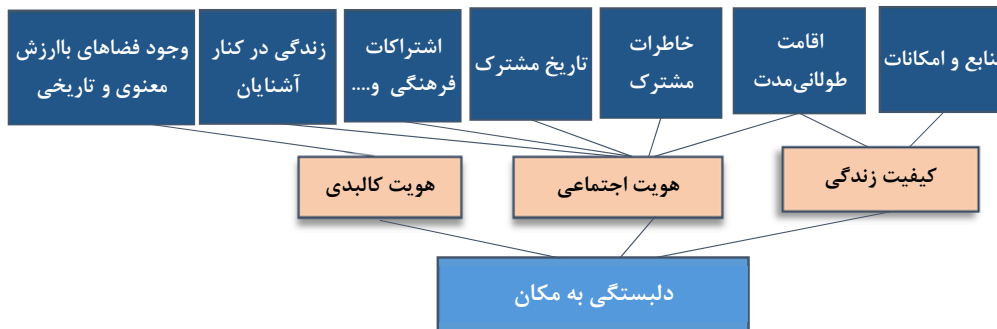
منبع: نگارندگان

بر اساس جدول شماره ۲ متوجه می‌شویم تقریباً عوامل یکسانی باعث ارتقای همبستگی اجتماعی در سه گروه مشارکت‌کننده می‌گردد. از جمع‌بندی عوامل حاصل از این بررسی در سه گروه نمودار شکل ۷ برای شاخص همبستگی اجتماعی نتیجه می‌شود.



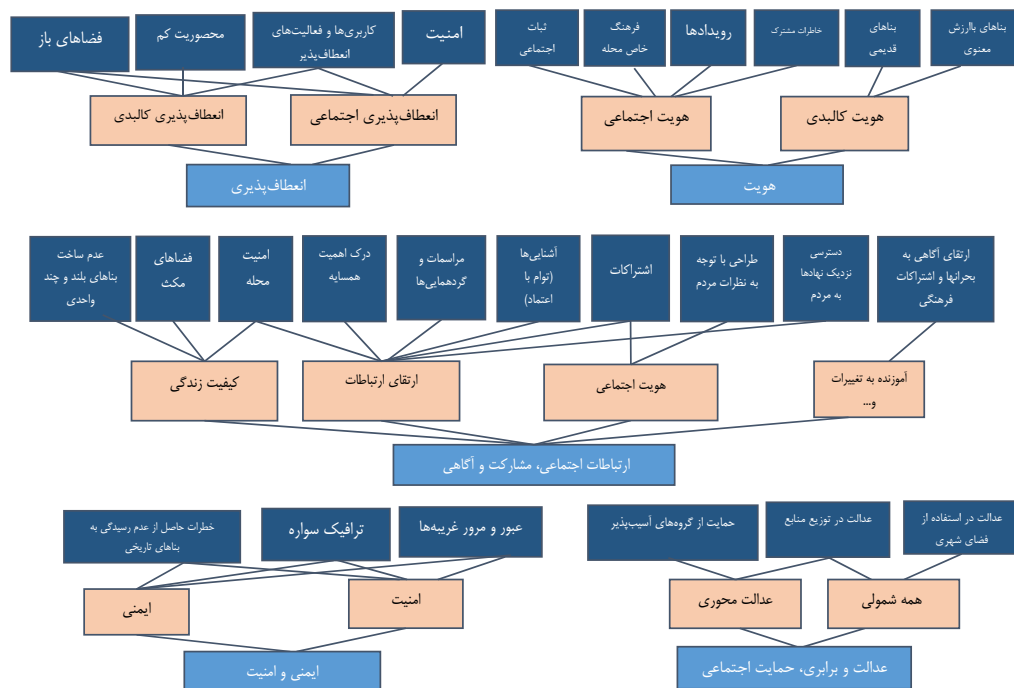
شکل ۷. عوامل مؤثر بر همبستگی اجتماعی ساکنان در محله جلفا اصفهان
منبع: نگارندگان

در بررسی سایر شاخص‌ها نیز جداولی مانند آنچه در جدول شماره ۲ شرح داده شد تنظیم گردید. برای مثال در بررسی شاخص دل‌بستگی مکان در سه گروه مشارکت‌کننده عوامل تولد یا زندگی طولانی مدت در محله، زندگی در کنار آشنایان، بناهای بارزش معنوی و تاریخی برای ساکنان، دسترسی به امکانات زندگی، خاطرات مشترک و اشتراکات با همسایگان سبب ارتقای حس دل‌بستگی به مکان در سه گروه مشارکت‌کننده می‌شود و عوامل محل شرایط ذکر شده عامل کاهنده دل‌بستگی به مکان بودند. به‌عنوان مثال در محدوده ۱ و ۲ وجود کاربری‌های فرامحلی سبب جذب غریبه‌ها به محل و ایجاد مزاحمت برای ساکنان شده و متعاقباً سبب دل‌سردی آنها از مکان زندگی‌شان گردیده است. یا در محدوده ۳ ساخت‌وسازهای جدید مرتفع علاوه بر کاستن انعطاف‌پذیری محل سبب جذب ساکنان ناآشنا به محل و متعاقباً کاسته شدن از حس دل‌بستگی به مکان و همبستگی اجتماعی گردیده است.



شکل ۸. عوامل مؤثر بر شاخص دل‌بستگی به مکان در ساکنان محله جلفا اصفهان
منبع: نگارندگان

جداول تحلیل محتوای جداگانه مصاحبه‌های سه گروه مورد بررسی در محله نشان داد که عوامل متعددی در تاب‌آوری اجتماعی گروه‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی مختلف اثرگذار است. نکته جالب توجه اینکه تقریباً عوامل یکسانی در تاب‌آوری اجتماعی سه گروه مورد بررسی در خصوص همه شاخصها مؤثر است. سایر نتایج از تحلیل محتوای شاخص‌های دیگر در شکل ۹ آورده شده است. بر اساس جمع‌بندی تمام این بررسی‌ها سرانجام مدل نهایی تحقیق به دست می‌آید.



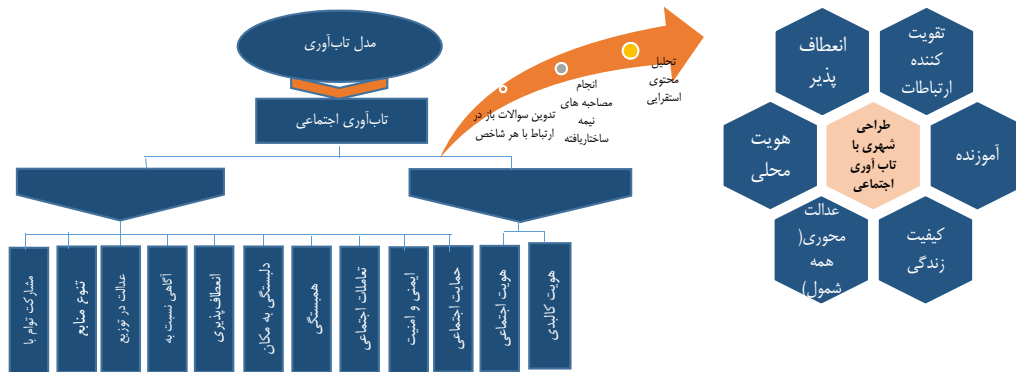
شکل ۹. مقوله‌بندی عوامل مؤثر بر شاخص‌های تاب آوری اجتماعی از نظر طراحی شهری با تکنیک تحلیل محتوا

منبع: نگارندگان

با توجه به تحلیل محتوای مصاحبه‌ها، مقولات مؤثر بر شاخص‌های مدل مفهومی تاب آوری اجتماعی برگرفته از مبانی نظری پژوهش با توجه به شکل‌های ۷-۹ عبارت‌اند از: کیفیت زندگی، ارتقای ارتباطات، هویت اجتماعی و کالبدی، انعطاف‌پذیری اجتماعی و کالبدی، همه‌شمولی و عدالت محوری، آموزش زندگی، ایمنی و امنیت. در مقوله‌بندی دیگری مقولات هویت اجتماعی و کالبدی، انعطاف‌پذیری اجتماعی و کالبدی و ایمنی و امنیت به ترتیب در زیر گروه مقولات اصلی هویت، انعطاف‌پذیری و کیفیت زندگی قرار گرفته است. بدین ترتیب مدل نهایی تحقیق با شش مقوله اصلی کیفیت محیط، هویت محلی، انعطاف‌پذیری، همه‌شمولی، فضاهای آموزش‌دهنده و ارتباطات اجتماعی حاصل می‌شود. تقویت هر کدام از این شش مقوله توسط طراحی شهری در جهت ارتقای تاب آوری اجتماعی اثرگذار است.

نتیجه‌گیری

این پژوهش در پی ارتقای تاب آوری اجتماعی در سطح محله جلفا اصفهان بوده است. لذا بر اساس شاخص‌های حاصل از مدل مفهومی اولیه پژوهش (مرتبط با تاب آوری اجتماعی) حاصل از مبانی نظری پژوهش، سؤالات بازتدوین شد و بر اساس آن با مشارکت‌کنندگان در سه گونه اجتماعی ساکن در محله جلفا، مصاحبه‌های چهره به چهره تا رسیدن به اشباع نظری انجام گرفت. سپس با تحلیل محتوای استقرایی مصاحبه‌ها عوامل (مقولات) شهرسازی مؤثر بر هر شاخص در سطح نمونه موردی استخراج گردید و سرانجام با بررسی کلی مقولات مذکور مدل نهایی تحقیق مطابق شکل ۱۰ تدوین شد.



شکل ۱۰. تدوین مدل نهایی تحقیق و مراحل آن
منبع: نگارندگان

نتایج حاصل از این پژوهش نشان می‌دهد که در سطح محله جلفا عوامل یکسانی در تاب‌آوری اجتماعی ساکنان متعلق به گروه‌های اجتماعی و اقتصادی متفاوت مؤثرند و در نهایت می‌توان نتیجه گرفت که با تقویت ارتباطات بین مردم و نهادها، ارتقای انعطاف‌پذیری، هویت، کیفیت محیط زندگی و آموزش شهری در جهت آگاهی بیشتر شهروندان از شرایط موجود و احتمالی و برخورد مناسب با آنها، می‌توان تاب‌آوری اجتماعی - فرهنگی را در محلات شهری ارتقاء بخشید.

پی‌نوشت‌ها

1. Livelihood resilient
2. Spatial resilient

فهرست منابع

- آتک (۱۳۸۶) طرح بازنگری منطقه ۵ اصفهان، پدیدآورنده، اصفهان.
- ایمان، محمد تقی و نوشادی، محمدرضا (۱۳۹۰) «تحلیل محتوی کیفی»، پژوهش، سال سوم، شماره دوم، صص. ۱۵-۴۴.
- پرتوی، پروین (۱۳۸۶) «تحقیق کیفی در مطالعات هنری با تأکید بر شیوه‌های گردآوری داده‌ها، تحلیل محتوا و تجزیه و تحلیل تطبیقی»، هنر و معماری: پژوهشنامه فرهنگستان هنر، شماره ۳، صص. ۷-۲۳.
- دره‌هوانیان، هارتون (۱۳۷۹) تاریخ جلفای اصفهان، ترجمه لئون میناسیان، محمدعلی موسوی فریدنی، زنده‌رود با مشارکت نقش خورشید، اصفهان.
- گروت، لیندا و وانگ، دیوید (۱۳۸۸) روش‌های تحقیق در معماری، ترجمه دکتر علیرضا عینی‌فر، چاپ سوم، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
- مارشال، کاترین و راس من، گرچن ب (۱۳۷۷) روش‌های تحقیق کیفی، ترجمه دکتر علی پارسائیان و دکتر سید محمد اعرابی، چاپ اول، دفتر پژوهش‌های فرهنگی، تهران.
- محمدپور، احمد (۱۳۹۲) روش تحقیق کیفی ضدروش ۲ (مراحل و رویه‌های عملی در روش‌شناسی کیفی)، نشر جامعه‌شناسان، تهران.

- Adger, N. (2000) "Social and Ecological Resilience: are They Related?" *Progress in human geography*, 24(3), pp. 347–364.
- Adger, N. (1997) *Sustainability and Social Resilience in Coastal Resource*, Centre for Social and Economic Research on the Global Environment University of East Anglia and University College London, pp. 1–39.
- Arefi, Mahyar, (2011) "Design for Resilient Cities, Reflections from a Studio", In: Banerjee, Tidib & Loukaitou– Sideris (eds.), *Companion to Urban Design*, Routledge, Abingdon, 674–685.
- Cinner, J.; Fuentes, M. M. P. B. and Randriamahazo, H. (2009) "Exploring social resilience in Madagascar's marine protected areas", In: *Ecology and Society* 14(1), 41. <http://www.ecologyandsociety.org/vol14/iss1/art41/>
- Cumming, G. (2011) "Spatial resilience in social–ecological systems," *Landscape Ecol*, 26(10), pp. 900–908.
- Cutter, Susan I. et al. (2008) "Community and regional resilience: Perspectives from hazards disasters and emergency management, Community and Regional Resilience Initiative," *CARRI Research Report 1*, pp. 1–19.
- Desouza, Kevin C, H. & Flanery, Trevor (2013) "Designing, planning, and managing resilient cities: A conceptual framework," *Cities* 35, pp. 89–99.
- Godschalk, David R. (2003) "Urban Hazard Mitigation: Creating Resilient Cities," *Natural Hazards Review*, 4 (3), pp. 136–143.
- Gross, Jill Simone (2008) "Sustainability versus Resilience: What is the global urban future and can we plan for change?", *Comparative Urban Studies*, Project Woodrow Wilson International Center for Scholars and the Fetzer Institute.
- Holling, C., (1973) "Resilience and stability of ecological systems", *Annu. Rev. Ecol. Syst.* 4, pp. 1–23.
- John Lyon, Christopher (2011) *Exploring dimensions of place– power and cultural in the social resilience of forest – dependent communities*, Master Thesis, University of Alberta.
- Karrholm, Mattias; Nylund, Katarina & Prieto de la Fuente, Paulina (2012) "Spatial resilience and urban planning: Addressing the interdependence of urban retail areas," In: *Cities*. In press. Retrieved from: <http://dx.doi.org.ezp.sub.su.se/10.1016/j.cities>, pp. 121–130.
- Keck, Markus & Sakdapolrak, Patrick (2013) "What is social resilience? Lessons learned and ways forward," *ERDKUNDE: Scientific Geography*, 67(1), pp. 5–19.
- Kuhlicke, C.; Steinfuhrer, A.; Begg, C.; Bianchizza, C.; Brundl, M.; Buchecker, M.; De Marchi, B.; Di Masso Tarditti, M.; Hoppner, C.; Komac, B.; Lemkow, L.; Luther, J.; McCarthy, S.; Pellizzoni, L.; Renn, O.; Scolobig, A.; Supramaniam, M.; Tapsell, S.; Wachinger, G.; Walker, G.; Whittle, R.; Zorn, M. & Faulkner, H. (2011) "Perspectives on social capacity building for natural hazards: outlining an emerging field of research and practice in Europe," *Environmental Science & Policy* 14, pp. 804–814.
- LaLone, Mary B. (2012) "Neighbors Helping Neighbors: An Examination of the Social Capital Mobilization Process for Community Resilience to Environmental isasters," *Journal of Applied Social Science*, 6(2), pp. 209–237.

- Lu, Peiwen; Stead, Dominic (2013) "Understanding the notion of resilience in spatial planning: A case study of Rotterdam, The Netherlands," *CITES*, pp. 200–212.
- Lucini, Barbara (2013) "Social capital and sociological resilience in megacities context, Catholic University of Sacred Heart, Milan, Italy," *International Journal of Disaster Resilience in the Built Environment*, 4 (1), pp. 58–71
- Maguire, B.; Hagan, P. (2007) "Disasters and communities: understanding social resilience," the *Australian journal of emergency management*, 22 (2), pp. 16–19.
- Norris, F. H.; Stevens, S.P.; Pfefferbaum, B.; Wyche, K.F.; Pfefferbaum, R.L. (2008) "Community Resilience as a Metaphor, Theory, Set of Capacities, and Strategy for Disaster Readiness," *Am J Community Psychol* 41, pp. 127–150.
- Obrist, B.; Pfeiffer, C.; Henley, R. (2010) "Multi-layered social resilience: a new approach in mitigation research," *Prog. Dev. Stud.* 10 (4), pp. 283–293.
- Oxfam (2005) *The tsunami's impact on women*, Oxfam International.
- *OXFORD advance learners dictionary* (2005) 7th ed., Oxford university press.
- Pelling, M. and High, C. (2005) "Understanding adaptation: what can social capital offer assessments of adaptive capacity?", In: *Global Environmental Change* 15 (4), pp. 308–319.
- Ross, Helen; Cuthill, Michael; Maclean, Kirsten; Jansen, Danni & Witt, Bradd (2010) *Understanding, Enhancing and Managing for Social resilience at the regional scale: opportunities in north Queensland*.
- Sanders, Anne; Lim, Sungwoo; Sohn, Woosung (2008) "Resilience to Urban Poverty: Theoretical and Empirical Considerations for Population Health," *American Journal of Public Health*, Vol. 98, No. 6, pp.1101–1106.
- Sapirstein (2006) Social Resilience: The forgotten element in disaster reduction, Available on <http://acds.co.za/Jamba/Sapirstein.pdf>.
- Shaw, Duncan; Scully, Judy & Hart, Tom (2014) "The paradox of social resilience: How cognitive strategies and coping mechanisms attenuate and accentuate resilience," *Global Environmental Change*, 25, pp. 194–203.
- Speranza, Ifejika Chinwe; Wiesmann, Urs & Rist, Stephan (2014) "An indicator framework for assessing livelihood resilience in the context of social-ecological dynamics," *Global Environmental Change*, 28 (2), pp. 109–119.
- Twigg, J. (2009) *Characteristics of Disaster Resilient Community – A Guidance Note* [interactive]. [accessed on 2014–10–01]. <<http://discovery.ucl.c.uk/1346086/1/1346086.pdf>>.
- Voss, M. (2008) "The vulnerable can't speak. An integrative vulnerability approach to disaster and climate change research," In: *Behemoth*, 1 (3), pp. 39–56.
- Vanderstoep, W.; Scott, D. & Johnston, Deirdre (2009) *Research Methods for Everyday Life (Blending Qualitative and Quantitative Approaches)*, Published by Jossey-Bass A Wiley Imprint 989 Market Street, San Francisco, CA 94103— www.josseybass.com
- Yee-Melichar, Darlene; Renwanz, Boyle; Andrea, J.; Wanek, Linda, B. & Pawlowsky, Sarah (2014) "Geriatric Rehabilitation and Resilience from a cultural perspective," *Geriatric Nursing xxx*, pp. 451–454.
- Zolli, Andrew (2012) "Learning to bounce back," In: *New York Times* (2012, November 2)

Received: 02 March, 2016

Accepted: 27 April, 2016

Urban Design and Social Resiliency Case Study: Jolfa Neighborhood in Isfahan City

Parvin Partovi, Associate Professor, Department of Urban Planning and Design, School of Architecture and Urban Studies, University of Art, Tehran, Iran

Mostafa Behzadfar, Professor, School of Architecture and Urban Studies, Iran University of Science and Technology (IUST), Tehran, Iran

Zahra Shirani, MA in Urban Design, School of Architecture and Urban Studies, University of Art, Tehran, Iran

Abstract

The term “resilience” was first introduced by Holling (1973) in “Resilience and Stability of Ecological Systems” from an environmental viewpoint. This concept has been gradually developed during time and its focus has changed from merely ecological aspects to social–ecological aspects. In early 1990s the attention has been primarily paid to resiliency in urbanization. Although some believes that to achieve a resilient city means a utopia, but in reality the differences between resiliency rates of cities against various crises demonstrate that making conditions in order to improve resiliency is feasible. Many researches about resiliency have already been conducted focusing on security improvement, but not on the social issues and human relations with place. However, the experiences of crises occurred in the recent decades have obviously emphasized on the role of human in the resiliency of cities. Indian Ocean tsunami in 2004, Hurricane Katrina in New Orleans in 2005, and Sandy Hurricane in 2012, all indicated that the reconstruction process of cities and villages in each of abovementioned examples has been done with a diverse rapidity. These differences was due to people involvement, different social capital as well as the discrepancy in social resiliency in various areas. It can be inferred that the social resiliency makes societies experience the same events but in different ways. Moreover, it can be said that the social resiliency includes conditions in which the people and the social groups are adapted to the environmental changes. In fact, it represents the society’s power of identity in order to react to the crises. There is a highly close relationship between social resiliency and place characteristics due to the fact that all the social events occur within geographical environment and location coordinates. The main goal of this study was to understand the effective components in improving the social aspect of resiliency of the neighborhoods through urban design. In this regard, the documentary and library methodologies were initially used through organized review of the related resources in order to identify the main criteria of the social resiliency using qualitative methodology and the mixture of “theory–research” and “research–theory” strategies. Then, the conceptual model of the social resiliency was developed by deductive methodology. Consequently, the neighborhood of Jolfa in the city of Isfahan was chosen for the case study. The urban design–related factors focusing on social resiliency were then inferred based on each subject type by physical and social typology and through half–organized interviews, and also by means of inductive content analysis. Finally, with regard to the relative commonalities among extracted factors in various types, the factors were categorized in six general categories. The results of the study show that considering the factors such as environmental quality improvement, identity, flexibility, inclusiveness, learning spaces, and social interactions in the neighborhoods design leads to the social resiliency development.

Keywords: Resiliency, social resiliency, urban design, Jolfa neighborhood, Isfahan.